

اندیشه تقریب سال هفدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۱، پیاپی ۴۳ ص ۹-۲۴	Andishe.e-Taqrib.43 Vol. 17, No. 4, winter 2023 P. 9-24
---	---

اتحاد اسلامی، صلح و پرهیز از تفرقه و تنازع، و راهکارهای عملی

عبدالجلیل فرهمند (نویسنده مسئول)^۱

رحیم ابوالحسینی^۲

چکیده

ایجاد تفرقه میان مسلمانان به اشکال مختلف، از راهکارهای دائمی دشمنان اسلام ناب محمدی است که بر اساس آن، پیامدهایی همچون بردگی فکری، تجزیه سرزمین‌های اسلامی، تکفیر یک‌دیگر و فرقه تراشی گریبان‌گیر مسلمانان گردیده است. وحدت و انسجام میان پیروان یک دین از مهم‌ترین مؤلفه‌های پیشبرد آن دین به حساب می‌آید که در صورت فقدان آن، مشکلات بسیاری دامن‌گیر رهبران و پیروان آن دین خواهد شد. قرآن نیز داشتن وحدت و اتحاد را برای مسلمانان امری ضروری و لازم می‌شمارد.

واژگان کلیدی: تفرقه، دشمنان، تکفیر، وحدت، دین، نقش استعمار و استکبار جهانی.

۱. کارشناس ارشد فقه و اصول و مدرس حوزه علمیه، <mailto:jalil.farahmand0012@gmail.com>

۲. دانش آموخته سطح چهار حوزه، و استادیار جامعه المصطفی العالمیه، پژوهشگر پژوهشکده مطالعات تقریبی، ایمیل سازمانی:

rahim_abolhasani@miu.ac.ir

مقدمه

ایجاد وحدت میان آحاد مسلمانان در سراسر جهان، از اهداف اصیل اسلام می‌باشد که انسجام اسلامی از اصول راهبردی مورد توجه قرآن کریم و سیره نبوی ﷺ و ائمه اطهار است که در بیانات بنیان‌گذار وحدت بزرگ اسلامی حضرت امام خمینی رحمته الله علیه نیز با این جملات تجلی کرده است: اسلام در دو کلمه خلاصه می‌شود: کلمه توحید و توحید کلمه. اتحاد اسلامی در اندیشه اسلام سیاسی چه در درون و چه در بیرون، جایگاه مشخصی دارد. وضعیت کنونی جهان اسلام و توطئه‌های مختلف شیطنی برای ایجاد اختلاف و دشمنی میان مسلمانان این ضرورت را آشکار می‌کند و تردیدی نیست که بررسی دقیق تجربیات ارزنده رهبران وحدت اسلامی در جهان معاصر، برای پرهیز از تفرقه و دستیابی به اتحاد، شناسایی علل تعارض در جامعه اسلامی و رونمایی از آن‌ها و بهره‌گیری از برخی ظرفیت‌های غرب برای آشکار کردن نقش آن‌ها در منازعات مسلمانان و بهره‌مندی از این ظرفیت جهت مقابله و تأکید بر خاستگاه وحدت اسلامی و هویت دینی در تأیید اخوت اسلامی است. انسان در طول قرون و اعصار به اهمیت زندگی اجتماعی پی‌برده و با همگرایی و اتحاد، اقوام پدیدار شدند و برای حفظ آسایش و امنیت خود لازم بود که گروهی به عنوان جنگاور، وظیفه رزم و دفاع را برعهده بگیرند که البته با گذشت زمان، شیوه‌های تهاجم و دفاع نیز پیچیده شد. با این همه، همواره ملتی پیروز میدان‌های نبردند که با هم اتحاد داشته و دارای عزت نفس باشند. برای شکل‌گیری امت اسلامی، پیامبر اسلام ﷺ بر پایه آموزه‌های قرآنی نخست به بازسازی بینشی و نگرشی قوم اقدام کرد و برای دستیابی به این مهم، در مفاهیم نیز دست برد و با استفاده از واژگان موجود به تدریج مفاهیم جدیدی را به مردم جامعه القا کرد. اتحاد اسلامی از جمله اصطلاحاتی است که در فرهنگ اسلامی بیان‌کننده همدلی و همگرایی و همفکری امت اسلامی است. در این مقاله بر آنیم که به اتحاد اسلامی، صلح و پرهیز از تفرقه و تنازع، و راهکارهای عملی آن بپردازیم.

الف. مفهوم شناسی

اتحاد به معنای یکی شدن، یگانگی داشتن (دهخدا، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۸۴۴) از ریشه «وح د» به مفهوم یکتایی و یگانگی است. (فراهیدی، ۱۴۰۸ق، ص ۸۴۲؛ ابن اثیر، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۶۰؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۲ ص ۵۴۷) نشان می‌دهد که مفهوم این واژه با واژه اتحاد بسیار نزدیک است.

اتحاد می‌تواند به دو صورت حقیقی و مجازی تصور شود. اتحاد حقیقی به معنای تبدیل دو چیز به یک چیز است. اگرچه تحقق چنین اتحادی در خارج محال است، اما اتحاد مجازی تبدیل یک چیز به چیز دیگر است که خود بر دو نوع است: یکی آن است که بر اثر ضمیمه شدن یک شیء به شیء دیگر، محصول سومی پدید می‌آید؛ نظیر آن که خاک با در آمیختن با آب، به گل تبدیل شود و دیگر آن که چیزی بدون ممزوج شدن با چیز دیگر صورت جدیدی بپذیرد؛ مانند تبدیل شدن آب به بخار بر اثر حرارت. (مقداد بن عبدالله، بی‌تا، ص ۱۱۶) شاید در ذهن بعضی خطور کند که طرح مسائل اختلافی بین شیعه و سنی، و یا شیعه و وهابیت، با جریان وحدت میان مسلمانان منافات دارد، و با موجب رنجش خاطر بعضی می‌شود و یا موجب تفرقه می‌گردد، بدین منظور ناگزیریم راجع به مفهوم وحدت و عوامل آن به صورت گذرا اشاره کنیم.

شکی نیست که یکی از عوامل پیشرفت ملت‌ها و رمز پیروزی آنان، پیوند و اتحاد است، همان‌گونه که با اتحاد قطرات آب، سدی پر و نیز با پیوستن جوی‌های کوچک به همدیگر رودخانه‌های عظیم ایجاد می‌شود، با اتحاد انسان‌ها نیز صفوف بزرگی تشکیل می‌شود که دشمن را به وحشت می‌اندازد و فکر تعدی را برای همیشه از سر آنان بیرون می‌کند. ﴿تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾ (انفال (۸): ۶۰)

پیش از ورود به موضوع اصلی بحث، شایسته است مباحثی را به عنوان مقدمه و مدخلی بر مبانی تفسیری و حدیثی، نکاتی بیان نماییم. از این رو، می‌طلبید که نخست به توضیح مفاهیم کلیدی بحث پرداخته شود و در ادامه به پیشینه تاریخی بحث و سرانجام، به مبانی و پیش فرض‌های اتحاد اسلامی در آیات و روایات پرداخته خواهد شد.

قرآن کریم ملت‌های مسلمان را به سوی یگانه عامل وحدت یعنی «تمسک به جبل الله» دعوت می‌کند و از هر گونه تفرقه بر حذر می‌دارد: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران (۳): ۱۰۳) از منظر مفهومی در این بحث با چهار واژه اتحاد، انسجام، ملت و اسلام مواجه هستیم. واژه «وحدت» و «اتحاد» در اصل عربی هستند، اما در زبان فارسی گاهی در کنار هم و به صورت مترادف به کار می‌روند. بررسی خاستگاه این واژه‌ها نشان می‌دهد که در زبان عربی از هر یک، معنای جداگانه‌ای استنباط می‌شود. هر چند هر دو کلمه از ریشه «وَحَدَّ» گرفته شده و هر دو مصدر است. کلمه «وحدت» در زبان عربی به معنای «تنها بودن» و «یکی بودن» است، چنان‌که در حدیثی از

رسول اکرم ﷺ نقل شده است: «الجلس الصالح خیر من الوحدة و الوحدة خیر من الجلس السوار» (طوسی، ۱۳۸۸ق، ص ۵۳۶)، اما کلمه «اتحاد» در زبان عربی به معنای «یکی شدن» و «به هم پیوستن» است. این کلمه که مصدر باب افتعال و از ریشه «وَحَدَّ» است، زمانی به کار می‌رود که بر بیش از یک فرد دلالت کند و این افراد بخواهند با هم یکی و یگانه شوند. (شرتونی، ۱۳۹۴ق، ج ۴ ص ۵۶) تفرقه به معنای پراکنده کردن و جدا جدا کردن و تفرُّق به معنای پراکنده شدن، جدا جدا شدن و گرییدن به فُرُق (تفاوت، فاصله، جدایی) یا فِرْق (نیمه، بخش و شعبه) یا فِرَقه (گروهی کوچک، انشعاب یافته از یک جمعیت بزرگ تر) است. (محمی الدین شاد، ۱۳۶۳ش، ذیل واژه)

پیشینه تاریخی اتحاد و تفرقه

قرآن اختلاف و تفرقه در دین را به بغی و ستم نسبت می‌دهد و می‌فرماید: ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ التَّيِّبِينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (بقره (۲): ۲۳۱) «مردم در آغاز امتی یگانه بودند، (آنگاه به اختلاف پرداختند) پس خداوند پیامبران را مژده آور و بیم‌دهنده برانگیخت و با آنان کتاب (آسمانی) را به حق فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه اختلاف داشتند داوری کند و در آن جز کسانی که به آن‌ها کتاب داده بودند، اختلاف نورزیدند (آن‌هم) پس از آن‌که برهان‌های روشن به آنان رسید (و) از سر افزون‌طلبی که در میان‌شان بود؛ آنگاه خداوند به اراده خویش مؤمنان را در حقیقتی که در آن اختلاف داشتند رهنمون کرد و خداوند هر که را بخواهد به راه راست راهنمایی می‌کند». ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ﴾ (مانده (۵): ۹۱) «شیطان تنها بر آن است تا با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه افکند» نتیجه این دو آیه به ما می‌فهماند که وحدت و یگانگی انسان‌ها در دین، فطری است و این اختلاف است که به عامل برونی نیازمند است. در این صورت، اتحاد را باید با آفرینش انسان هم‌زاد دانست. قرآن در جایی دیگر به صراحت از اتحاد نخستین مردم سخن به میان می‌آورد و اختلاف را امری عارضی می‌شناسد که در پی آن، بعثت پیامبران ﷺ و ارسال کتاب‌های آسمانی ضرورت پیدا کرده است: ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ التَّيِّبِينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ﴾ (بقره (۲): ۲۱۳) غالب مفسران معتقدند: در این آیه، ایجاز حذف صورت گرفته و جمله «فاختلَفُوا»

پیش از (فَبَعَثَ) حذف گردیده است. (طوسی، ۱۳۸۹ق، ج ۲ ص ۱۹۷)، زیرا فقط در این صورت است که ارتباط میان فرستادن پیامبران پس از یک پارچه بودن اجتماعات بشری معنا می‌یابد. از اینجا دانسته شد که عوامل اتحاد ملت و تشکیل‌دهنده دولت‌های ملی چیزی جز هدف، روش، تجربیات و فرهنگ مشترک نمی‌باشد. اما سخن در این است که اگر ما هدف همه اجتماعات را رسیدن به سعادت، یعنی آسایش و آرامش بدانیم، اختلاف ملت نمی‌تواند به مسأله اختلاف در اهداف بازگردد. پس علت اختلاف ملل و ایجاد ملت‌ها و نیز دولت‌های ملی چیست؟ بی‌گمان مهم‌ترین علت و عامل ایجاد ملت‌ها و واگرایی گروهی و هم‌گرایی گروه دیگر انسانی، اختلافات روشی است؛ یعنی با آن‌که انسان‌ها هدف مشترکی در ایجاد اجتماعات دارند و همگی رسیدن به سعادت، آسایش و آرامش را علت‌غایی آن می‌دانند، به جهت اختلافات جغرافیایی و شرایط زیستی و زیست‌محیطی، هر گروهی از اجتماعات انسانی می‌کوشد تا روش ویژه‌ای برای رسیدن به این هدف بجوید. این‌گونه است که هر اجتماعی از تجربیات مشترکی سود می‌برد و در پی این تجربیات مشترک ملت‌ها از فرهنگ خاصی برخوردار می‌گردند؛ تجربیات و فرهنگ خاصی که در شرایط زیستی و جغرافیایی دیگر، نمایان نمی‌گردد. هم‌چنان‌که انسان‌ها از تنوع غذایی برخوردار هستند و با توجه به موهبات زمینی سرزمین خود از الگوهای غذایی خاصی تبعیت می‌کنند، دارای فرهنگ خاص پوششی، رفتاری و خلق‌وخو نیز هستند که موجب جدایی ایشان از دیگران می‌شود. مثلاً کسانی که در کوهستان زندگی می‌کنند حتی در قدم زدن با کسانی که در دشت‌ها و جلگه‌ها زندگی می‌کنند متفاوت هستند. این‌گونه است که خرده‌فرهنگ‌ها نیز نمایان می‌گردد. آنچه که مفهوم جدید ملتی را می‌سازد، الگوهای مشترک زیستی و فرهنگی عام و فراگیر است که از آن به فرهنگ عمومی ملت تعبیر می‌شود که در کنار خرده‌فرهنگ‌ها از اصالت و تأثیرگذاری بیشتری برخوردار است.

حرمت اختلاف

قرآن کریم آیات بسیاری را درباره ناپسند و حرام بودن اختلاف در زمینه‌های مختلف میان مومنین اختصاص داده است که با توجه برخی از تفاسیر، به بیان اجمالی آن‌ها می‌پردازیم. اختلاف مؤمنان امری حرام و ناپسند است. ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران (۳): ۱۰۳) و همگی به ریسمان خدا (قرآن، اسلام و دیگر عوامل وحدت)، چنگ زنید و پراکنده نشوید. در این آیه بحث نهایی که همان «مسأله اتحاد و مبارزه با هر گونه تفرقه» است مطرح شده است: همگی به ریسمان

الهی جنگ بزنید و از هم پراکنده نشوید. درباره این که منظور از «حبل الله» (ریسمان الهی) چیست؟ مفسران احتمالات مختلفی ذکر کرده اند، بعضی می گویند منظور از آن قرآن و بعضی می گویند اسلام است و بعضی دیگر گفته اند منظور خاندان پیامبر و امامان معصوم هستند. در روایاتی که از پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام نقل شده نیز همین تعبیر گوناگون دیده می شود. مثلاً در تفسیر «در المنثور» از پیامبر اکرم ﷺ و در کتاب «معانی الاخبار» از امام سجاد علیهما السلام نقل شده است که فرمودند: «حبل الله» قرآن است. تفسیر «عیاشی» از امام باقر علیهما السلام نقل کرده است که فرمود: ریسمان الهی آل محمد ﷺ هستند که مردم مامور به تمسک به آن می باشند. با این حال باید گفت که نه این احادیث و نه آن تفسیرها، هیچ کدام با یک دیگر اختلاف ندارند، زیرا منظور از ریسمان الهی هر گونه وسیله ارتباط با ذات پاک خداوند است، خواه این وسیله، اسلام باشد، یا قرآن، یا پیامبر و اهل بیت او. به عبارت دیگر، تمام آنچه گفته شد در مفهوم وسیع «ارتباط با خدا» که در معنای «حبل الله» استفاده شده است، جمع می باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۳، ص ۴۱)

لزوم اتحاد

قرآن نیز داشتن وحدت و اتحاد را برای مسلمانان امری ضروری و لازم می داند. ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (آل عمران: ۳) و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند (آن هم) پس از آن که نشانه های روشن (پروردگار) به آنان رسید! و آن ها عذاب عظیمی دارند. در این آیه مجدداً بحث درباره مسأله وحدت و پرهیز از تفرقه و نفاق مطرح شده است و مسلمانان را بر حذر می دارد از این که همانند اقوام پیشین، همچون یهود و نصاری، راه تفرقه و اختلاف را پیش گیرند و عذاب عظیم برای خود بخرند و در حقیقت آن ها را به مطالعه تاریخ گذشتگان و سرنوشت دردناک آن ها پس از اختلاف و تفرقه دعوت می کند. تاکید قرآن مجید در این آیات درباره دوری از تفرقه و نفاق، به این موضوع اشاره دارد که این حادثه در آینده در اجتماع آن ها واقع خواهد شد، زیرا هر کجا قرآن در بر حذر کردن از چیزی زیاد اصرار کرده است، به معنای قرینه ای برای وقوع آن می باشد. پیامبر اسلام نیز این پیش بینی را از قبل کرده و صریحاً به مسلمانان خبر داده است که: قوم یهود بعد از موسی ۷۱ فرقه شدند و مسیحیان ۷۲ فرقه و امت من بعد از من ۷۳ فرقه خواهند شد. ظاهراً عدد ۷۰ اشاره به کثرت دارد و به اصطلاح «عدد تکثیری» است نه «شمارشی» یعنی در میان یهود یک طایفه بر حق بودند و «طوائف زیادی» بر باطل، در

میان مسیحیان طوایف باطل افزایش یافتند و حق هم‌چنان در یک طایفه بود، و در میان مسلمانان اختلاف‌ها باز هم فزونی خواهد گرفت و طبق آنچه قرآن مجید اشاره کرده و پیامبر اکرم نیز خبر داده است، مسلمانان بعد از وفات حضرت از راه مستقیم منحرف و در عقاید مذهبی و حتی در خود دین پراکنده شدند و به تکفیر یک‌دیگر پرداختند تا آن‌جا که در میان آنان گاه شمشیر و گاه سب و لعن حکمرانی می‌کرد و سرانجام کار به جایی رسید که بعضی از مسلمانان جان و مال همدیگر را حلال می‌دانستند و حتی به‌قدری میان مسلمانان کینه و دشمنی ایجاد شده بود که بعضی حاضر می‌شدند به کفار ملحق شوند و با برادران دینی خود جنگ نمایند! بدین ترتیب اتحاد و وحدت که رمز موفقیت مسلمانان پیشین بود به نفاق و اختلاف تبدیل گردید. در نتیجه زندگی سعادت‌مندانه آنان به یک زندگی شقاوت بار مبدل شد و مسلمانان عظمت دیرین خود را از دست دادند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۳، ص ۵۶) اتحاد امت اسلامی عنصر حیاتی و موثر در مقابله با گروه‌های تکفیری است. بدون شک بزرگ‌ترین خطری که در حال حاضر برای وحدت و انسجام امت اسلامی وجود دارد، شعله ور شدن نزاع از سوی تکفیری‌ها و گروه‌های تروریستی افراطی است، زیرا این گروه‌ها بدون هیچ دلیلی فرقه‌های مسلمان را تکفیر می‌کنند و به دنبال آن فقط آبروی خود را حراج می‌کنند. بهترین راه برای درهم شکستن و خاموش کردن آتش نزاع، اتحاد و انسجام همه علمای مسلمان است که باید برای رسیدن به وحدت واقعی و موثر تلاش کنند تا ملت در برابر گسترش فرقه افراطی بایستند و اجازه ندهند آتش چنین نزاع‌های خسارت‌باری دیگر بار شعله‌ور شود، زیرا هر نوع اختلافی منجر به استثمار دشمن و نفوذ آن به صفوف اسلامی می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴، makarem.ir)

اتحاد نیازمند محور است و خداوند محور این وحدت را «ریسمان الهی» معرفی کرده است تا امری ثابت و استوار باشد؛ چرا که وحدت بر محورهای دیگر، همچون نژاد و زبان و ملیت، شکننده است. در روایات اسلامی نیز بر اتحاد مسلمانان تأکید شده است. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حکایت شده است که داستان افراد با ایمان در دوستی و نیکی به یک‌دیگر همچون اعضای یک پیکر است که چون بعضی از آن به درد آید، بر اعضای دیگر قرار و آرامش نخواهد بود. (اسماعیل حقی، بی‌تا، ج ۳ ص ۳۶۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۳ ص ۳۳)

افراد با ایمان نسبت به یک‌دیگر همانند اجزای یک ساختمان‌اند که هر جزئی از آن جزء دیگر را محکم نگاه می‌دارد. تأثیر اتحاد مردم در پیشرفت اهداف اجتماعی و سربلندی ملت‌ها اعجاز‌آمیز است.

مؤمنان هم چون قطرات آب باران هستند که از اجتماع آن‌ها سدّی عظیم به وجود می‌آید و در مقابل دشمن می‌ایستد و از نیروی آن همه جا روشن می‌شود و چرخ عظیم صنعت به گردش در می‌آید و سرزمین‌های زیادی آبیاری می‌شود، در حالی که قطرات باران هیچ کدام به تنهایی قادر به این کارها نیستند.

(سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۰؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶؛ جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۱۶۲)

تأکید بر اتحاد مسلمانان و پرهیز از تفرقه بیشترین دل‌مشغولی سید جمال الدین اسدآبادی و کواکبی بود، با این تفاوت که سید جمال بیشترین توجه را بر اتحاد مسلمانان جهت مبارزه با استبداد و استعمار خارجی و نفوذ بیگانگان، و کواکبی بیشترین توجه را بر اتحاد مسلمانان در مبارزه با استبداد داخلی و خودکامگی حکام اسلامی داشت. سید جمال الدین در بیانی دردمندانه و حاکی از تأسف عمیق خود می‌آورد: «مسلمانان اتفاق کردند که با یک‌دیگر اتحاد نداشته باشند، دریغا که هر یک مانند خوره همدیگر را می‌خورند و تیشه به ریشه هستی خود می‌زنند! برای خرسندی دشمنان محمد ﷺ پشت به قبله می‌کنند! قرآن مجید را ندیده می‌انگارند! غرب‌زدگی را سرمایه افتخار خود و خاندان‌شان می‌پندارند». (اسدآبادی، بی تا، ص ۷۰ و ۷۱؛ سعید حسن، بی تا، ص ۸۷)

کشف رابطه نزدیک وهابیت و جریان‌های افراطی تکفیری

راه دیگر مقابله با جریان‌های متعصب و گروه‌های تکفیری، آشکار کردن ارتباط عمیق تکفیری‌ها با رفتار وهابی و اعلام ماهیت ارتباط نزدیک بین آن‌ها به همه مردم می‌باشد. زیرا گروه‌های تکفیری نتیجه طبیعی وهابیت و ثمره زیان‌بار روی کرد افراطی آنهاست. اگر می‌توانستیم ماهیت آن رابطه را به‌درستی برای مردم نمایان کنیم، به‌وضوح درباره واقعیت فرقه‌ضالّه و گروه‌های متعصب تکفیری پاسخ می‌دادیم. زیرا در آن‌صورت باید همه ثمرات و نتایج حاصل از آن مکتب انحرافی را ارزیابی و بررسی کنیم و آنگاه بدانیم که چنین مکتبی فقط جنایات و رفتارهای تحقیرآمیز تکفیری را تولید کرده است که ظلم و خون‌ریزی آن در تاریخ بشریت رویت نشده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴، makarem.ir) برای عموم مردم در تمام سطوح و جوامع مختلف در جهان اسلام و غیر آن آشکار شده است. ضمناً به علمای وهابی به‌ویژه علمای پادشاهی عربستان توصیه و سفارش می‌کنیم که آموزه‌های تکفیری مسلمانان را از کتاب‌ها و نوشته‌های خود دور کنند و علیه اهل قبله موضع نگیرند و فتوای تکفیری مسلمانان علیه مسلمانان را که در مدارس دینی و مؤسسات اسلامی آن‌ها منتشر شده است کنار بگذارند و با نهی از تکفیر و محکومیت افراط‌گرایی و تعصب، با تخلیه دفاتر و مؤسسات انتشاراتی برائت خود را از کتاب‌ها

و عقاید گمراه کننده، اعلام کنند، زیرا شجاع‌ترین مردم کسی است که از عقاید نادرست خود اجتناب کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴، makarem.ir)

حل اختلاف

آیات دیگری از قرآن تلاش برای رفع اختلاف را از میان پیروان ادیان آسمانی و براساس توحید عبادی و ربوبی و نفی شرک لازم می‌داند. ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ (آل عمران: ۳: ۶۴) «بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را - غیر از خدای یگانه - به خدایی نپذیرد.» هر گاه (از این دعوت)، سرباز زنتد، بگویید: «گواه باشید که ما مسلمانیم!» در قرآن کریم آیات بسیاری وجود دارد که از تنوع و گوناگونی حیات بشری سخن می‌گوید؛ اگرچه همه انسان‌ها در انسان بودن برابر و از ویژگی‌های مشترکی برخوردارند، اما تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند.

همچنین هر یک از افراد بشر نسبت به هم، دارای هوش و ذکاوت متفاوتی‌اند و هر کدام نیز در زمینه خاصی از علم، استعداد و علاقه قرار دارند، اگرچه شرایط محیطی نیز در ایجاد فرصت‌های کسب علم و دانش اثرگذار است. قرآن کریم درباره اختلاف سطح علم و دانش مردم می‌فرماید: «درجات کسانی را که بخواهیم بالا می‌بریم و فوق هر صاحب دانشی دانشوری است» بر خورداری از سطح اقتصادی و معیشت زندگی انسان‌ها نیز با یکدیگر متفاوت است: برخی فقیر و برخی ثروت‌مندند. خداوند می‌فرماید: ﴿أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ حُنْفُ فَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾ (زخرف: ۴۳: ۳۲)

«آیا آن‌ها باید فضل و رحمت خدای تو را تقسیم (و مقام نبوت را تعیین) کنند؟ در صورتی که ما خود معاش و روزی آن‌ها را در حیات دنیا تقسیم کرده‌ایم و بعضی را بر بعضی به درجاتی (از مال و جاه دنیوی) برتری داده‌ایم تا بعضی از مردم (به ثروت) بعضی دیگر را مسخر خدمت کنند و رحمت خدا از آنچه (از مال دنیا) جمع می‌کنند بسی بهتر است.» اگرچه با وجود این تفاوت‌ها، امکان ایجاد هم‌زیستی، وحدت و همدلی میان انسان‌ها وجود دارد. به‌ویژه این‌که آموزه‌های دین مبین اسلام بر این مطلب اصرار فراوان دارند. در این نوشتار ابتدا به بیان تفاوت‌ها و تنوع‌ها میان انسان‌ها می‌پردازیم. به فرموده قرآن کریم، نیای همه افراد بشر، یک مرد و یک زن یعنی همان آدم و حواست: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ

اَتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً
 وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (نساء(۴): ۱) «ای مردم، بترسید
 از پروردگار خود، آن خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و هم از آن، جفت او را خلق کرد و از آن
 دو تن خلقی بسیار در اطراف عالم از مرد و زن پراکند و بترسید از آن خدایی که به نام او از یکدیگر
 مسألت و درخواست می‌کنید و درباره ارحام کوتاهی نکنید، که خدا مراقب اعمال شماست». اما با این
 وجود با گذشت زمان و ادامه نسل بشر و گسترش محل زندگی آنان متناسب با شرایط محیط زندگی و
 اختلاف آب و هوایی، ظاهر انسان‌ها به اشکال گوناگون و متفاوت از یکدیگر شکل گرفت و نژادهای
 مختلف بشری در روی زمین پدیدار گشت. آن اختلافی مذموم و در شریعت اسلام هم مورد نکوهش
 قرار گرفته است که ناشی از منفعت طلبی، غرور، خودخواهی، تسلط بر دیگران، ظلم و بی‌عدالتی در
 حق دیگران و همه امتیازها را به خود اختصاص دادن و مسائلی از این قبیل باشد، و گرنه اختلافی که در
 طبیعت، رنگ‌ها و زبان‌ها وجود دارد، اختلافی است که جلوه طبیعت را زیباتر می‌کند و مشاهده آن،
 روح و جسم آدمی را به وجد می‌آورد و مهم‌تر موجب بیداری، آگاهی و عبرت‌پذیری انسان‌ها می‌شود.
 در قرآن به چنین اختلافی اشاره شده است، مثل اختلاف بین شب و روز، اختلاف بین آسمان‌ها
 و زمین، اختلاف بین زبان‌ها و رنگ‌ها و اختلاف بین قبایل و ملت‌ها. اختلافی که باید از آن دوری
 کرد، اختلافی است که جامعه را به جامعه‌ای دو قطبی تبدیل می‌کند یعنی جامعه‌ای که همیشه
 می‌خواهد با زبان زور، چماق و فشار، مخالفان را حذف کند، وگرنه در صدر اسلام نیز بین صحابه
 اختلاف وجود داشت؛ وجود خوارج در زمان حضرت علی علیه السلام یکی از نمونه‌های آن است که در
 مقابل خلیفه برحق مسلمانان قیام کردند و اسلحه کشیدند. با این حال، حضرت درب مسجد برای
 آن‌ها باز می‌گذارد و سهمیه آن‌ها را از بیت المال قطع نمی‌کند. بنابراین، اختلافی که از نظر اسلام
 ناپسند و زشت است، اختلاف تصنعی است یعنی اختلافی که ناشی از فردگرایی و منفعت‌طلبی
 شخصی و گروهی است. وگرنه هر چند اسلام خود اختلاف را در مسائل مختلف پذیرفته است، اما
 راه‌حلی که برای آن گذاشته است که رجوع به شوراها و استفاده از خرد جمعی است.

همچنین در قرآن سوره‌ای به نام «شورا» نامیده شده است؛ هدف این سوره این است که مسلمانان
 اعمال خود را با مشورت انجام دهند.

عملی که مربوط به همه افراد اجتماع باشد و سود و زیانش متوجه جمع شود، اگر بدون مشورت و نظر

جمع انجام شود، به طور معمول به نتیجه مطلوب نخواهد رسید و چه بسا با ضررهای فراوانی هم روبرو خواهد شد. در مسائل اعتقادی و مربوط به حوزه کلام و مذاهب اسلامی نیز مسأله همین است که می‌باید اندیش‌مندان و صاحب‌نظران مذاهب گرد هم آیند و مسائل مورد بحث را به مشورت بگذارند تا درباره موضوعات مطرح شده به اجماع برسند. متأسفانه امروز که اختلافات مذهبی در جوامع اسلامی رؤیت می‌گردد، به این دلیل است که هنوز کسی نیامده است تا به طور دقیق مسائل را آسیب‌شناسی کند و بگوید علت تفرقه و اختلاف چه بوده است. به هر صورت شاید موارد بسیاری از اختلاف‌های کلامی، طایفه‌ای، قبیله‌ای، مذهبی و این مسائل مطرح شود، اما مهم‌ترین علت اختلاف مسلمان‌ها این است که حکومت به وسیله معاویه از خلافت به سلطنت تبدیل گردید و دیگر چون هیچ جایی برای تجمع علما و بزرگان دین نبود که کنار هم جمع شوند و به رأی واحد برسند، بعد از این متأسفانه در طول تاریخ شاهد مذاهب مختلف اسلامی بودیم و هیچ فرصتی هم پیش نیامد که مجتهدان و مراجع در کنار هم بنشینند و با استفاده از قرآن و سنت نظریه واحدی را ارائه نمایند. (جلالی زاده، ۱۳۹۳ ش، سایت جلالی زاده)

عوامل تفرقه و نزاع

در قرآن کریم، تفرقه دینی در کنار تفرقه اجتماعی نهی و نفی شده است و تفرق در دین در برابر اقامه دین به کار رفته و عامل تفرقه‌گرایی مشرکان، انس و عادت به مظاهر شرک بیان شده است. (شوری (۴۲): ۱۳) خداوند پیامبر اسلام را به «استقامت» (بر راه راست، ثابت ماندن) در تفرقه‌زدایی امر کرده است. (راغب اصفهانی، بی تا، ذیل ماده قوم) همچنین، در ادامه آیه فطرت، فرقه‌گرایی‌ها و تفرقه انگیزی‌های مسلمانان را برابر با شرک ورزیدن و پیوستن به صفوف مشرکان اعلام می‌کند. در قرآن کریم، خودپسندی که بر پایه آن هر فرقه و گروه به آنچه خود دارند خرسندند و به باورها و پای‌بندی‌های فرقه‌های دیگر احترام نمی‌گذارند و بلکه به سخره می‌گیرند؛ سخت نکوهش شده است. (طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۸ ص ۲۳) همچنین، پیامبر اسلام از ورود به مسجد ضرار (مسجد نفاق)، که منافقان مدینه آن را برای ایجاد تفرقه در میان مسلمانان بنا کرده بودند، نهی شد تا مسلمانان دریابند که مسجد نیز هرگاه به پایگاه تفرقه تبدیل شود، حتی ورود به آن شرعاً جایز نیست. (فخر رازی، بی تا، ج ۱۶، ص ۱۹۵) نقشی که رهبران مذهبی می‌توانند در روند صلح اجرا کنند ممکن است روشن به نظر برسد، اما انجام آن هرگز آسان نیست. با آن تلاش‌ها فرآیند ادغام دین در هر تلاش صلح‌آمیز با چالش‌های اساسی مواجه است که تعدادی از آن‌ها در زیر ارائه می‌شوند:

متون دینی اغلب به عنوان عناصری متضاد با یکدیگر درک می‌شوند. (اسموک، شماره ۲۰۲۲، ۱۲۸) حتی اگر مذهب عامل اصلی تعارض نباشد، علل دیگر اغلب تقسیمات مذهبی را تقویت یا پیچیده می‌کنند. هویت‌های قومی و یا تفاوت بین نیروهای اقتصادی. (اسموک، شماره ۲۰۲۲، ۱۲۸) برخی از دولت‌های سکولار، از جمله دولت‌های غربی، ممکن است نگران تعامل با نهادهای مذهبی باشند.

راهکارهای عملی

در حدیث مشهور نبوی نیز امت اسلامی به ساختمانی استوار و دیرپا تشبیه شده است که اجزای آن یکدیگر را ثابت و استوار نگاه می‌دارند. (نسایی، ۱۴۱۱ق، ج ۲ ص ۴۱) همچنین، برخلاف آن‌که نصاری برای خشنودی خداوند و اصرار بر اخلاص در دین، به رهبانیت (جمع‌گریزی و گوشه‌گیری) رو آورده بودند، اسلام با نفی رهبانیت، انواع گوناگون تفرقه را هرچند توجیه دینی و شرعی داشته باشد، بدعت می‌داند و محکوم می‌نماید؛ چنان‌که پیامبر اکرم، ضمن برخورد جدی با انزواطلبی‌ها و جمع‌گریزی‌ها، رهبانیت امت اسلامی را جهاد در راه خدا معرفی کرد. (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۳ ص ۷۶۰) در هر دوره‌ای یک سلسله ضرورت‌ها بیش از سایر ضرورت‌ها خود را نمایان می‌کنند که باید با دقت و ویژه و حس مسئولیت‌پذیری آن‌ها را شناخت و در پی رفع آن‌ها برآمد. آیت‌الله بروجردی رحمته‌الله از آغاز مرجعیت خود به مسأله وحدت میان فرق مختلف اسلامی توجه خاصی داشته و معتقد بودند سامان دادن به این موضوع از وظایف دینی هر یک از عالمان شیعه و سنی است. ایشان خطاب به عالمان شیعه می‌گوید: «مسأله خلافت امروز مورد نیاز مسلمانان نیست که با هم دعوا کنیم. هر که بود امروز چه نتیجه‌ای به حال مسلمانان دارد؟ آنچه امروز به حال مسلمانان مفید است این‌که بدانند احکام را باید از چه منابعی اخذ بکنند». (بازافکن، مجله حوزه، شماره ۴۶، ص ۱۵) پرهیز از مطرح کردن مسائل تحریک‌کننده و عدم توهین و جسارت به اعتقادات یکدیگر از مسئولیت‌های مهم عالمان شیعه و سنی جهت اتحاد میان مسلمانان است که صراحتاً بر حرمت هر گونه اهانت یا تجاوز به جان، مال، ناموس و یا تکفیر هر یک از فرقه‌های اسلامی تأکید ورزیده و این‌گونه اقدامات را به منزله حرمت‌شکنی جایگاه تمام مسلمانان به حساب آورند. قرآن کریم در حرمت توهین به اعتقادات یکدیگر و نهی از آن می‌فرماید: ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ﴾ (انعام (۶): ۱۰۸) هرگز به بت‌پرستانی که غیر خدا را می‌خوانند اهانت نکنید زیرا آنان نیز به خدای شما از روی جهل اهانت می‌کنند. این

چنین ما برای هر امتی عمل‌شان را زینت داده‌ایم. بنابراین، در گفت‌وگوی مذاهب اسلامی هر یک از طرفین باید از عبارات تحریک‌کننده و سخنان تنش‌زا و نگران‌کننده اجتناب کند و از کلمات و عباراتی استفاده کند که به جای ایجاد فاصله، فاصله‌ها را کم کند و به جای دشمنی، محبت و الفت ایجاد کند و به جای تفرقه افکنی وحدت و همدلی به همراه بیاورد. برای مثال از به‌کارگیری القاب و عباراتی که هر یک از طرفین آن‌ها را تحمل نمی‌کنند، مانند به‌کارگیری لقب رافضی برای شیعی، یا ناصبی و وهابی برای سنی دوری بشود و از اسم و لقبی که هر یک آن را برای خود برگزیده و دوست می‌دارد، استفاده شود، زیرا خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ﴾ (حجرات (۴۹): ۱۱) ضروری می‌دانم این نکته بسیار حساس را در عرصه روابط میان شیعیان و اهل سنت یادآوری کنم که: چنانچه اهل سنت هنگام ذکر نام خلفا از خداوند خشنودیش را برای آنان می‌خواهند، اما شیعیان آن‌ها را لعن و نفرین نمایند، در این صورت هیچ زمینه‌ای برای امکان تفاهم و وحدت، به‌وجود نخواهد آمد، زیرا میان درخواست رضایت خداوند برای آنان و لعن و نفرین فاصله بسیار زیاد است. بار دیگر می‌خواهم به پیروان هر دو مذهب تأکید کنم که در مخاطب قراردادن و داوری درباره طرف مقابل استفاده از کلمات و عبارات وحدت بخش و الفت‌آمیز ضرورت دارد و باید از هر آنچه که زمینه‌ساز پراکندگی و کینه‌ورزی و آزرده‌گی خاطر می‌شود، جداً اجتناب نمایند. امروز می‌توان همکاری با یک‌دیگر در امور مورد اتفاق و پذیرش عذر طرف مقابل درباره امور مورد اختلاف را با رعایت شرط عدم توهین به یک‌دیگر پیگیری نمود. وظیفه مسلمانان است که ویژگی‌های مثبت اعتقادات و باورهای خود را به‌جای توهین به مقدسات سایر ادیان و مذاهب ذکر نمایند. چنان‌که وقتی پیامبر اکرم ﷺ مبعوث شدند، به‌جای توهین به مقدسات دیگران فرمودند: ﴿قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا﴾. زیرا با توهین و ناسزاگویی نمی‌توان کسی را از راهی بازداشت و یا به کاری دعوت نمود، بلکه این کار بر عکس، تعصب آمیخته با خشونت آن شخص را به دنبال دارد. شبهات و اختلافاتی که درباره اعتقادات و ایمان مردم به وجود می‌آید، گره‌های ارتباطی مردم را با دین الهی که عامل وحدت است باز می‌کند، از این‌رو به سرعت باید به این شبهات و تردیدها پاسخ صحیح داد و اختلافات را مرتفع نمود. اساس و بنیان همه راه‌حل‌ها نزدیک شدن افکار مسلمین به یک‌دیگر و تفاهم آن‌ها با هم است که از شناخت صحیح عقاید هر دسته و یافتن ماباه‌الاشتراک میان آن‌ها به دست می‌آید. اگر این آگاهی حاصل شود، می‌توان از همان جهت ماباه‌الاشتراک در حل و

رفع مابه‌الاختلاف اقدام نمود. (حسینی طباطبایی، بی‌تا، ص ۱۰۲) پس به بهانه اختلافات مذهبی نمی‌توان دست از وحدت کشید. اگر وجود اسلام بستگی به وجود مسلمانان دارد، به‌طور حتم وجود مسلمانان نیز در گرو اتحاد و وحدت آن‌ها خواهد بود. (قائمی، بی‌تا، ص ۳۲۷) بدون توجه کافی به این طریق، اقدام برای ایجاد وحدت‌های سیاسی که اغلب صوری و نمایشی می‌باشند، چندان موثر نخواهد بود. می‌توان ادعا کرد که اولین شرط ایجاد اعتماد میان مسلمانان، بستن باب مجادلات مذهبی است. (کاشف الغطاء، بی‌تا، ص ۲۵) یکی دیگر از راه‌های تحقق وحدت اسلامی، تقریب اندیشه‌ها، گرایش‌ها و مذاهب گوناگون از راه گفت‌وگوست که می‌تواند شامل گفت‌وگو بین افراد، گروه‌ها، ادیان، مذاهب و دولت‌ها با موضوعات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و فکری باشد. (تسخیری، ۱۳۹۳ش، ص ۴۵) قطع ارتباط و تعامل فکری، عدم آگاهی درست از باورها و ارزش‌های یک‌دیگر باعث سوءظن، قضاوت غیرصحیح، موضع‌گیری‌های ناصواب و اقدامات نادرست شده در نتیجه زمینه تفرقه فراهم می‌شود؛ چراکه انسان دشمن ندانسته‌های خویش است و در این میان دشمنان به‌واسطه جهل و ناآگاهی مردم، موارد اختلاف را پررنگ‌تر کرده و تفرقه را ایجاد کردند، اینجاست که اهمیت این گفت‌وگوها روشن‌تر می‌شود. البته روشن است که منظور از گفت‌وگو، گفت‌وگو آموزشی سطحی یا عمیق نیست، بلکه منظور گفت‌وگو تبلیغی رسانه‌ای است که با توده‌های گسترده مردم سر و کار دارد و به افکار عمومی سمت‌وسو می‌دهد. هدف از این گفت‌وگو روشن شدن حقیقت است و قطعاً این گفت‌وگو در سایه دین، بهترین راه مقابله با دشمنان خواهد بود. (موثقی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۲۶)

نتیجه‌گیری

دین اسلام که قدمتی به درازای چهارده قرن داشته و امروزه پیروان زیادی در سرتاسر جهان پیدا کرده است؛ تاریخی پرفراز و نشیب را به خود دیده است، چنان‌که گاه حضوری قدرتمند در عرصه جهانی داشته و تسلط خود را از حجاز تا قلب اروپا نمایان کرده است و گاه نیز اسیر دست دشمنان سیاست‌مدار خود گردیده است. در حوزه علم و دانش، در مرحله‌ای از تاریخ علوم، دانش‌های گوناگونی همچون ریاضیات، منطق، فلسفه، طب و ... به‌وسیله دانشمندان معروف جهان اسلام به نقاط مختلف جهان صادر شده است. با این حال، باید اعتراف کرد این دین همواره دشمنانی دارد که به‌دنبال ایجاد شکاف در صفوف مسلمانان و ایجاد تفرقه و نفاق میان آن‌ها هستند، تا گسترش آن شوند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. اسدآبادی، سیدجمال، (بی تا)، سید جمال الدین و اندیشه‌های او، تهران: بی نا.
۴. اسماعیل حقی، (بی تا)، روح البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار الفکر.
۵. باز افکن، کاظم، (بی تا)، راهکارهای عملی وحدت.
۶. تسخیری، محمدعلی، (۱۳۹۳ش)، تقریب در اندیشه و وحدت در عمل، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۷. جصاص، احمد بن علی رازی، (۱۴۰۵ق)، أحكام القرآن، بیروت: بی نا.
۸. جلالی زاده، (۱۳۹۳ش)، گفت‌وگو با دکتر جلالی زاده: حل اختلافات مذهبی در گرو مراجعت مسلمانان به قرآن و سنت، بی جا، بی نا.
۹. جوهری، إسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷ق)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت: دار العلم للملایین.
۱۰. حسینی طباطبایی (بی تا)، راهی به سوی وحدت اسلامی،
۱۱. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۸۵ش)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. دیوید آر. اسموک، (۲۰۰۶م)، نتیجه‌گیری در گفت‌وگوی بین ادیان و ایجاد صلح، ویرایش توسط دیوید آر. اسموک (واشنگتن، دی سی، تهران، موسسه امپراتوری صلح.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (بی تا)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: بی نا.
۱۴. سعید، حسن، ترجمه منصور نصیری، (بی تا)، تقابل استبداد و دین در اندیشه ی کواکبی، معرفت، ش ۴۳.
۱۵. سیوطی، عبدالرحمن بن أبی بکر، (۱۴۰۴ق)، درالمنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت: دارالفکر.
۱۶. شرتونی، رشید، (۱۳۹۴ق)، مبادئ العربیة، بیروت: دارالعلم.
۱۷. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۵ق)، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، تقدیم: شیخ خلیل میس، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر.

۱۸. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۸ش)، الأما لی، تهران: اندیشه هادی.
۱۹. _____، (۱۳۸۹ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، قم: اهل بیت علیهم السلام.
۲۰. فخر رازی، محمد بن عمر، (بی تا)، التفسیر الکبیر، قاهره: بی نا.
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۸ق)، ترتیب العین، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۲. قائمی، علی، (بی تا)، تفرقه مسأله روزما.
۲۳. کاشف الغطاء، محمد حسین، (بی تا)، اصل الشیعة وأصولها.
۲۴. متقی هندی، علی بن حسام الدین، (۱۴۰۹ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: چاپ بکری حیانی و صفوة سقا.
۲۵. محیی الدین شاد، محمد پادشاه، (۱۳۶۳ش)، آندراج: فرهنگ جامع فارسی، تهران: دبیرسیاقی.
۲۶. مقداد بن عبدالله حلّی، (بی تا)، شرح باب حادی عشر، قم: مؤسسه انتشارات علامه.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۸. _____، (۸ بهمن ۱۳۹۴ش)، بیانات معظم له در دیدار مسئولان و طلاب مؤسسه آموزشی و پژوهشی خانه رسانه مکتب اهل بیت علیهم السلام.
۲۹. _____، (۸ بهمن ۱۳۹۴ش)، بیانات معظم له در همایش بین المللی خطر جریان های تکفیری در عصر حاضر و مسئولیت علمای جهان اسلام، ...makarem.ir
۳۰. موثقی، (بی تا)، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام.
۳۱. نسایی، احمد بن علی، (۱۴۱۱ق)، السنن الکبری، بیروت: چاپ عبدالغفار سلیمان بنداری و کسروی حسن.